

فرازهایی شگفت آور از زندگی شهید آیت ا سیدمحمد باقر صدر



فرازهایی شگفت آور از زندگی شهید آیت ا سیدمحمد باقر صدر

1. شهید صدر به معنی واقعی کلمه نابغه و مرجع تقلید مسلم بود. معروف است که ایشان فرموده بودند از ابتدای سن تکلیف تا زمان حیات هیچ گاه تقلید نکرده است و قبل از 15 سالگی به درجه اجتهاد رسیده بود. علاوه بر فقهت، فلسوفی ژرف اندیش و متفکری زمان شناس بود و به امور سیاسی و اجتماعی اشرافی مثال زدنی داشت. برخی تألیفات او چنان است که طی بیش از 6 دهه بر تارک تألیفات شیعه می درخشد، و طی این مدت طولانی دیگران را حتی یارای نزدیک شدن به مرزهای دانشی این خورشید فروزان و متفکر نابغه نبوده است.

رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت ا العظمی خامنه ای در این باره فرموده اند:

در میان چهره های برجسته ی حوزه های علمیه در دهه های اخیر مرحوم آیت ا شهید سید محمد باقر صدر (قدس ا روحه) یکی از ممتازترین و شگفت انگیزترین آنهاست.

هر مجمع علمی حق دارد که به فرآورده‌ی انسانی بزرگی چون این عالم بزرگوار به خود ببالد. او بی‌شک یکی نابغه و یکی ستاره درخشان بود. از جنبه علمی، جامعیت و تحقیق و نوآوری و شجاعت علمی را یکجا دارا بود. در اصول، در فقه، در فلسفه و در هر آنچه با این دانشها ارتباط می‌یابد در زمره بنیانگذاران و صاحبان مکتب محسوب می‌شد. استعداد خارق‌العاده و پشتکار کم‌نظیر او از وی عامل ذوفنون و ژرف‌نگری پدید آورده بود که دید نافذ و ذهن جستجوگرش در آفاق علوم متداول حوزه‌ها محصور نمانده و هر آنچه را که برای یکی مرجع بزرگ دینی در دنیای متنوع امروز سزاوار است به حیطة تحقیق و مطالعه کشیده بود و سخنی نو و فکری بکر و اثری ماندگار در آن می‌آفرید.

2. او بدون شک یک مرجع تقریب گرا و وحدت آفرین بود و از بن دندان به وحدت ابناء امت اسلام اعتقاد داشت و در این مسیر گامهای جدی برداشت. نوشته‌ها، بیانی‌ها و سلوک فردی و اجتماعی او در برخورد با مذاهب مختلف اسلامی در عراق به وضوح شاهد بر این مدعا است.

3. او هرچند خود مرجع تقلید بود ولی در مسائل سیاسی و اجتماعی به مرجعیت امام خمینی (ره) اعتقاد کامل داشت و از این حیث به برخی از مراجع مهم نجف انتقادات جدی داشت. گرچه همواره نسبت به آنها احترام ویژه نگاه داشت و هرگز این انتقادات را علنی نکرد تا شکافی ایجاد نشود. در یک مورد وقتی شرایط سیاسی بر شیعیان سخت می‌شود تصمیم می‌گیرد که در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) علیه رژیم صدام به همراه معدودی از شاگردانش قیام کند و به همراه یارانش همچون جد بزرگوارش اباعبدا الحسین (علیه السلام) به شهادت برسد؛ و به برخی دیگر از شاگردانش مأموریت بدهد که زینب‌وار دلایل این قیام را برای مردم تبیین کنند؛ بلکه خون او موجب بیداری و هدایت مردم و سرنگونی رژیم بعث شود. برای انجام این کار با امام خمینی (ره) مشورت می‌کند. امام پس از فکر کردن طولانی، در نتیجه بخش بودن این تصمیم تردید وارد نمی‌کنند، و به این ترتیب از تصمیم خود منصرف می‌شود.

4. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیدمحمدباقر صدر در عراق، و سیدموسی صدر در لبنان، قطعاً و کاملاً پرچمداران انقلاب بوده‌اند. صدام در مقطعی به او پیغام داده بود، اجازه نمی‌دهد تجربه ایران تکرار، و سیدمحمد باقر صدر «امام صدر» بشود! به همین جهت دست‌های پلید استکبار، در یک طراحی یگانه این دو بزرگوار را حذف فیزیکی کردند، تا انقلاب ایران به دو کشور مهم عراق و لبنان گسترش پیدا نکند.

5. با علنی شدن رابطه او با حضرت امام و انقلاب ایران، و حمایت های ایشان از امام خمینی(ره) به شدت از سوی رژیم بعث در تنگنا قرار گرفت؛ تا جایی که او و خانواده اش در حصر عجیبی قرار گرفتند. تلفن، آب و برق قطع شد و کلیه مراودات با سید ممنوع اعلام شد. تمامی اتاق ها شنود داشت. طوری شد که چند ماه این خانواده از هیچ واقعه ای از خارج از منزل خبر نداشتند و دیگران نیز از آنها بی خبر بودند. حتی در مواردی آذوقه منزل به پایان رسید و شرایط بسیار سختی بر این خانواده حکمفرما شد. در یکی از این موارد پس از اینکه یک هفته آذوقه ای به این خانه نرسید و شهید صدر از همسایه دیوار به دیوار کمک خواست، اقدام این همسایه که مخفیانه کمی آذوقه و پزشک به آنها رسانده بود لو رفت. فوراً او را دستگیر و اعدام کردند.

6. در روزهای آخر فرستاده صدام گفت اگر این موارد را انجام بدهید از شرایط حصر خارج خواهید شد و الا اعدام خواهید شد. برخی از این شروط به قرار زیر بود:

از انقلاب اسلامی ایران حمایت نکنید و با صدور بیانیه ای از مواضعی که در این باره اتخاذ کردید عذرخواهی نمایید. باید فتوایی به خط خود صادر کنید و پیوستن به حزب الدعوه را حرام اعلام کنید. از فتوای خود مبنی بر حرمت پیوستن به حزب بعث صرف نظر کنید. بیانیه ای صادر کنید و رژیم بعث را ولو در حد برخی دستاوردهایش مثل ملی کردن نفت یا اعطای خودمختاری به کردها تأیید کنید.

پاسخ مستحکم شهید صدر پس از گذشت ماه ها از شرایط حصر که فرستاده صدام را متحیر و مبهوت کرد این بود که "من همین الان آماده ام با شما به بغداد بیایم تا حکم اعدام را اجرا کنید".

7. شهادت او بسیار مظلومانه بود. در شهادتش، با اینکه مرجع مسلم بود و کشتن یک مرجع با این شرایط سابقه نداشت، از شدت اختناق و فضای رعب انگیز و امنیتی، نه تنها شورش و اعتراضی صورت نگرفت، بلکه حتی در حد یک بیانیه یا مجلس بزرگداشت یا اظهار نظر عمومی در عراق صادر نشد. امام خمینی در ایران بیانیه ای صادر و سه روز عزای عمومی اعلام کرد. او را در خفا و غربت کامل به خاک سپردند.

8. این شهید عزیز را سه بار به خاک سپردند و تا 22 سال - تا 1381 خورشیدی - مزارش مخفی ماند! فردی که ابتدا شاهد دفن سید بود، آن محل را به دوستان معتمد نشان داده بود. در ابتدای دهه 1370، قبر وسط خیابانی افتاد که از آنجا می گذشت، پس در سال 1373 خورشیدی بدن مطهر او را - در حالی که

هنوز سالم بود - به وادی السلام منتقل کردند. باز در سال 1376 یک بار دیگر یک جا به جایی قبر انجام شد تا دولت صدام به او بی حرمتی نکند. محل دفن این شهید عزیز نهایتاً در اواخر سال 1381 با سقوط صدام اعلام شد.

برگرفته از خبرگزاری تسنیم با تلخیص و تصرف